

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان
سال دوازدهم، شماره سی و ششم، زمستان ۱۴۰۴

بررسی و تحلیل نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌های بدر، احد و خندق با تکیه بر کتاب عیون الاثر (ابن سیدالناس)

علیرضا کاظمی‌زاده*

چکیده

بررسی نقش نظامی و رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام در نبردهای اسلام همواره از موضوعات پژوهشی قابل توجه در مطالعات تاریخی بوده است. این مطالعه با استناد به کتاب معتبر «عیون الاثر» ابن سیدالناس، به تحلیل جایگاه ایشان در سه نبرد سرنوشت‌ساز بدر، احد و خندق پرداخته است. هدف اصلی این تحقیق، تبیین ابعاد مختلف نقش نظامی، رهبری و معنوی امام علیه السلام در این نبردها بر اساس داده‌های کتاب مذکور بوده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی روایات «عیون الاثر» با تمرکز بر گزارش‌های مربوط به حضور و اقدامات امام علیه السلام انجام شده؛ و یافته‌ها نشان داده‌اند که ابن سیدالناس اگرچه با رویکردی گزینشی و محتاطانه، به نقش برجسته امام در این نبردها پرداخته، اما از نقل برخی روایات مهم و فضایل مشهور امام غفلت ورزیده است. این پژوهش در نهایت به این نتیجه دست یافته که اگرچه «عیون الاثر» داده‌های ارزشمندی ارائه داده، اما برای ترسیم تصویر کاملی از جایگاه امام، نیاز به تکمیل با دیگر منابع معتبر وجود داشته است.

واژگان کلیدی: امیرالمؤمنین علیه السلام، ابن سیدالناس، عیون الاثر، بدر، احد، خندق.

*. دانش پژوه سطح ۴ تاریخ و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

در سینه‌دم تاریخ اسلام، نبردهای سرنوشت‌ساز بدر، احد و خندق، نه تنها آزمونی برای بقای جامعه نوپای مسلمانان، که صحنه‌ای برای تجلی ظرفیت‌های بی‌نظیر رهبرانی بود که سهمی جاودان در شکل‌گیری تمدن اسلامی ایفا کردند. در میان این چهره‌ها، امیرالمؤمنین علی علیه السلام به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در این رویدادهای تعیین‌کننده، حضوری بی‌نظیر و تأثیرگذار داشت. بررسی و تحلیل نقش ایشان در این نبردها، نه تنها گشاینده افقی نوین در شناخت ابعاد نظامی، رهبری و معنوی امامت است، که درکی عمیق‌تر از مبانی شکل‌گیری جامعه اسلامی را نیز فراهم می‌آورد.

کتاب «عیون الاثر» اثر ابن سیدالناس، به‌عنوان یکی از منابع معتبر و متعادل در سیره نبوی، با روشی مبتنی بر گزینش اخبار مستند و پرهیز از اطاله، داده‌های ارزشمندی را درباره کیفیت حضور و اقدامات امام علی علیه السلام در این نبردها ارائه می‌دهد. اگرچه این اثر با نگاهی عام نگاشته شده، اما واکاوی روایات آن، امکان فهم بهتر جایگاه بی‌بدیل امام را در آن برهه حساس فراهم می‌کند.

با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در این باره صورت نگرفته؛ نوشتار حاضر با تمرکز بر این پرسش محوری که «نقش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نبردهای بدر، احد و خندق از منظر کتب عیون الاثر ابن سیدالناس چیست و چه ابعدی دارد؟»، در چهار بخش اصلی؛ ابن سیدالناس از دیدگاه مورخان، عیون الاثر و جایگاه آن در سیره نگاری و نیز حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در غزوات بدر، احد و خندق و در نهایت جامانده‌های عیون الاثر به تحلیل این موضوع پرداخته است.

هدف نهایی این پژوهش، ارائه تحلیلی منسجم و مستند از سهم امام علی علیه السلام در پیروزی‌های نخستین سپاه اسلام است تا از این رهگذر، هم بر غنای مطالعات سیره نبوی افزوده شود و هم جایگاه رفیع امیرالمؤمنین علیه السلام به‌عنوان اسوه شجاعت، ایثار و رهبری در تاریخ اسلام بیش از پیش آشکار گردد.

ابن سیدالناس از دیدگاه مورخان

ابوالفتح فتح‌الدین محمد بن محمد یعمری ربیعی که معروف به ابوالفتح و مشهور به ابن سیدالناس می باشد. ایشان محدث، حافظ، مورخ، فقیه شافعی، نحوی، ادیب و خطاط مصری اندلسی الاصل است.^۱ وی در چهارم ذی‌القعدة سال ۶۷۱ هجری در قاهره به دنیا آمد و در خانواده‌ای علمی و سرشناس رشد کرد. پدرش نیز از علمای مشهور بلاد مغرب، بود و وقتی به مصر آمد با خود کتاب‌ها و مصنفات علمی را به همراه داشت.^۲

ابن سیدالناس در سال ۶۹۰ هجری به دمشق سفر کرد و از محضر اساتیدی چون ابن عساکر، الصوری، ابن المجاور و... علم را فرا گرفت و پس از بازگشت به مصر، اصول فقه را نزد ابن دقیق‌العبد و دستور زبان را نزد بهاء بن النحاس آموخت. هم‌چنین ایشان در مجالس شیوخ دمشق مانند مجالس الفاروتی و الدمیاطی حضور یافت و تعداد کسانی که از آنها کسب علم نمود به حدود هزار نفر می‌رسید.^۳

عیون الاثر و جایگاه آن در سیره نگاری

کتاب عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر از مشهورترین آثار ابن سیدالناس است که بیشتر شهرت وی نیز به این کتاب بستگی دارد. همان‌طور که از نام کتاب پیداست، موضوع آن زندگی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. مؤلف در مقدمه کتاب چنین آورده که در این مجموعه بهترین بخش‌های موجود در سیره‌ها را انتخاب کرده و آنها را به ترتیب زمانی حوادث کنار هم قرار داده است. او در تدوین سیره خود از منابع متعددی مانند کتاب‌های احادیث، سنن، مصنفات، ابواب، مسانید، کتاب‌های مغازی و سیر استفاده کرده است. با مطالعه

۱. ذمی، تذکره الحفاظ ج ۵، ص ۳۳۲؛ صفدی، أعیان العصور وأعوان النص، ج ۵، ص ۱۳۳؛ سبکی، طبقات الشافعیة الكبرى، ج ۹، ص ۳۸؛ ابن قاضی شهبه، تاریخ ابن قاضی شهبه ج ۲، ص ۲۱۱؛ ابن حجر عسقلانی، الدرر الکامنة فی أعیان الملة الثامنة ج ۴، ص ۲۰۸؛ سیوطی، حسن المحاضرة فی أخبار مصر و القاهرة ج ۱، ص ۳۰۶؛ سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعریة ج ۱، ص ۱۲۵؛ کحاله، معجم المؤلفین ج ۱۱، ص ۳۶۹.

۲. ابن حجر عسقلانی، پیشین ج ۴، ص ۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۰۹.



این کتاب به وضوح دیده می‌شود که ابن سید الناس تا حد امکان حوادث را توضیح داده، از نقل مطالب ضعیف و تکراری پرهیز کرده و گاهی نیز به تحلیل حوادث پرداخته است.^۱ ابن سید الناس در مقدمه کتاب خود هدف از تألیف این اثر را با توجه به تعدد مؤلفان در زمینه سیره نبوی و نقدی که بر آن آثار وارد داشته، چنین بیان کرده است: «وقتی به آثار گذشتگان و معاصرین درباره سیره پیامبر ﷺ، غزوات و روزهای زندگی ایشان نگاه کردم، چیزی جز آثار طولانی و خسته‌کننده یا آثار کوتاهی که اکثر مقاصد را ناقص گذاشته‌اند؛ ندیدم. بنابراین آثار آنان به دو قسم، تقسیم می‌شود؛ یا نوشته‌ی آنها به اسامی، نسب‌ها، اشعار و آداب توجه زیادی دارد؛ یا اینکه نویسنده فقط به جمع‌آوری داده‌ها و روایت‌ها پرداخته و تمام توان خود را صرف این کار می‌کند که به نظر ابن سید الناس طولانی و خسته‌کننده است و یا نوشته آن کوتاه و مختصر است که معمولاً یک مسیر مشخص را دنبال می‌کنند اما بسیاری از فواید را از دست می‌دهند و به نظر ایشان از یک روش ساده فراتر نمی‌رود.»^۲

شاید دلیل دیگری نیز بر تألیف این کتاب وجود دارد که آنهم علاقه و تخصص ابن سید الناس در علم حدیث و تألیف در این زمینه است، زیرا علم حدیث به اقوال پیامبر ﷺ و سنت او اختصاص دارد و طبیعی است که شناخت زندگی پیامبر را به دنبال داشته باشد؛ این موضوع مورد توجه ویژه علمای حدیث است، اما آنچه در این زمینه کمبود دارد، اهتمام به ترجمه زندگی پیامبر بر اساس یک روش منتخب است تا پس از آن بتوان در کتاب‌های سیره به تألیف پرداخت.^۳ از سوی دیگر، واقدی معتقد است که انگیزه واقعی سیره‌نگاران تنها تقوا نبوده، بلکه نیاز جامعه اسلامی و تثبیت قواعد دینی و احکام شرعی نیز به‌عنوان محرک اصلی این اهتمام و توجه، نقش داشته است.^۴

۱. ابن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی والشمال والسیور، ج ۱، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. ناطق صالح مطلوب، نشریه آداب الرافدین، ص ۱۸۲.

۴. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۰.

اگرچه ابن سیدالناس به آثار پیشینیان، یا بهتر بگوییم گروهی از کسانی که به تألیف در سیره پرداخته‌اند، نقد داشته است، ولی ناگزیر بود که راهی میانه بین دو رویکرد انتخاب کند؛ رویکردی که از یک سو از طولانی‌گویی و اطاله پرهیز کند و از سوی دیگر از اختصار مخمل و ناقص اجتناب نماید. هم‌چنین کتابش را باید اثری متمایز و جامع در زمینه سیره نبوی قرار دهد. او این انتخاب را بر اساس نیاز واقعی و ضرورت به دست آمده از نقد آثار پیشین انجام داد و چنین انتخابی فقط از کسی ساخته است که نقاط ضعف و نقصان هر دو روش را شناخته باشد و مرز جداکننده میان آن دو را دریابد.

بر اساس این ملاحظات، سیره ابن سیدالناس به دو بخش اصلی و دو ملحق تقسیم شده است که تمام موارد مربوط به زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله از زمان تولد تا وفات را در بر می‌گیرد.

بخش اول شامل نسب پیامبر صلی الله علیه و آله، ولادت، شیرخوارگی، جدایی از مادر، اقامت در قبیله بنی سعد، پرورش و کفالت جدش عبدالمطلب تا هنگام وفات، سپس انتقال کفالت به عمویش ابوطالب، سفر به شام و بازگشت از آنجا، ازدواج با خدیجه علیها السلام، آغاز بعثت و نبوت، نزول وحی، ذکر برخی از اولین کسانی که به اسلام گرویدند، هجرت‌های نخست به حبشه، محاصره پیامبر در شعب ابی طالب و موضوعات دیگر. این بخش هم‌چنین شامل مواردی پیرامون هجرت پیامبر به مدینه، مواردی که در آنجا رخ داد مانند ساخت مسجد، برپایی منبر، غزوات و سفرهای پیامبر، نامه‌های او به پادشاهان، حجة الوداع و وفات اوست.^۱

بخش نخست، کل قسمت اول کتاب «عیون الاثر» و بیشتر بخش دوم آن را در بر می‌گیرد و پس از آن، دو ملحق آمده است؛ یکی خلاصه تمام حوادث مهم مربوط به بخش اول از آغاز هجرت تا پایان سال دهم هجری و دیگری درباره معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله که در بخش‌های مختلف آورده شده‌اند.

۱. ابن سیدالناس، پیشین، ج ۱، ص ۱۰.

بخش دوم به شرح حال فرزندان، عموها و عمه‌ها، همسران، شمائل، بردگان، کنیزان، موالی، اسب‌ها و سلاح‌های پیامبر می‌پردازد که از گفته‌های علما بهره گرفته و اطلاعات را به شیوه‌ای تاریخی و مرتب بیان می‌کند. در مواردی که ترتیب زمانی اقتضا می‌کند حوادث را به ترتیب می‌آورد و درباره همسران و فرزندان او به بلب غزوات و سیره و بخش ادبیات و شمائل پیوسته است، به جز ذکر ازدواج با خدیجه که به سبب اهمیتی که در اعلام نبوت داشت، متفاوت است. در کنار این ساختار کلی، مؤلف به اصولی سه‌گانه پایبند بوده که آنها را به وضوح بیان کرده است: شامل آوردن اشعار مرتبط در جای مناسب، آوردن انساب بگونه‌ای که از حد معرفی آنها تجاوز نمی‌کند و انتخاب اسناد معتبر به گونه‌ای که برای مخاطب خسته‌کننده نباشد

امتیاز اصلی کار او این است که خبر سنددار را به خبر بدون سند ترجیح می‌دهد، اما در صورتی که خبر بدون سند اضافاتی داشته باشد، آن را به دنبال خبر سنددار می‌آورد و این روش در سراسر سیره رعایت شده است.

ابن سیدالناس به‌عنوان یکی از علمای بزرگ حدیث و آشنا به طرق روایت، مبتنی بر سند است که آن را پایه روایت اخبار می‌داند و به آن اولویت می‌دهد حتی اگر ناقص یا ناتمام باشد. پس از آن خبر مرسل را به‌عنوان منبعی بعدی می‌پذیرد که البته به رغم مفید بودن، درجه پایین‌تری نسبت به نسخه‌ی دارای سند دارد. وقتی ایشان درجات اسناد را تشخیص می‌دهد، این کار را از طریق نقد آن اسناد و تحلیل متن که مهم‌ترین بخش اسناد است، انجام می‌دهد. به این ترتیب او بین دو علم «روایة» و «درایة» جمع کرده و بهترین اسناد را انتخاب و بین سند و متن رابطه محکمی برقرار می‌کند و در مواردی هم به نظر و اجتهاد خود در زمینه‌هایی که نیاز به اجتهاد دارد توجه می‌کند. بر این اساس، سیره او بر روش مستحکم و قابل اطمینانی استوار است که هیچ بی‌نظمی را تحمل نمی‌کند.

اثر وی اکثر منابع مهم که درباره سیره رسول‌الله هستند را در بر گرفته و مشهورترین منابع حدیثی را که در میان امت پراکنده هستند، به این منابع افزوده شده است. علاوه بر این، کتب کمکی مانند شرح السهیلی و سایر کتاب‌های ثانویه که موضوعات تاریخ عمومی، نسب و زبان را جمع‌آوری کرده‌اند را به منابعش اضافه کرده است.

بررسی و تحلیل نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌های بدر، احد و خندق با تکیه بر کتاب عیون الاثر (ابن سیدالناس)

ابن سیدالناس توانسته است با فصل‌هایی که به نام «الفوائد» مشخص شده‌اند، نوآوری یا ویژگی متمایزی در سیره خود بیاورد. این فصول که به اصل موضوع اضافه شده‌اند، هر خبر، شخص، مکان یا لفظ مبهم را به توضیح یا تعریفی مناسب مزین کرده‌اند تا خبر یا موضوع کامل و بی‌نقص شود. تعداد فصول «الفوائد» به ۲۱ فصل می‌رسد که پس از اکثر مفردات مهم در سیره آمده‌اند.

حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در غزوات بدر، احد و خندق

با بررسی تاریخ صدر اسلام، نقش برجسته شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری تمدن اسلامی بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. در میان این چهره‌ها، امیرالمؤمنین علیه السلام به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در رویدادهای سرنوشت‌ساز آن دوران مطرح است. کتب «عیون الآثار» اثر ابن سیدالناس، از جمله منابعی است که با نگاهی تاریخی و تحلیلی، به شرح وقایع مهمی چون غزوه‌های بدر، احد و خندق پرداخته است. این اثر، اگرچه با رویکردی عام نگاشته شده، اما داده‌های ارزشمندی درباره کیفیت حضور و اقدامات علیه السلام در این نبردها ارائه می‌دهد. بررسی این کتب، امکان فهم بهتر جایگاه نظامی، رهبری و معنوی ایشان را در آن برهه حساس فراهم می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، واکاوی مستند نقش ایشان در این سه نبرد، بر اساس روایات مندرج در این منبع تاریخی است.

بدر

هنوز ده روز از اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه پس از بازگشت از غزوه العشیره نگذشته بود که کرز بن جابر فهری به نواحی اطراف مدینه (سرح) یورش برد. پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه گروهی از یارانش که پرچمدار آنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود برای تعقیب او تا وادی سَفَوان (نزدیک بدر) پیش رفت، اما موفق به یافتن کرز نشد. این رویداد در ربیع الاول، سیزده ماه پس از هجرت رخ داد که از آب با عنوان غزوة بدر الأولى تعبیر می‌شود.^۱ این واقعه، مقدمه‌ای بود برای نبرد بزرگ و تعیین‌کننده‌ای که چند ماه بعد، در همان منطقه ی بدر روی داد.

۱. ابن سیدالناس، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۳.



جنگ بدر کبری در ۱۷ رمضان سال دوم هجری بین سپاه مسلمانان به فرماندهی پیامبر ﷺ و لشکر بزرگ مشرکان مکه درگرفت،^۱ نخستین نبرد سرنوشت‌ساز اسلام بود. ابن سیدالناس در کتب عیون الأثر نقش برجسته امیرالمؤمنین علیه السلام را در این نبرد مهم آورده است. امام علی علیه السلام با داشتن سن بیست سالگی^۲ در آن هنگام، پرچمدار لشکر مهاجرین بود^۳ و نقش اصلی در رهبری نیروها را بر عهده داشت. در میدان نبرد، امیرالمؤمنین علیه السلام در صفوف مقدم حضور داشت و بارها با دلاوری خود فرماندهان و سربازان برجسته دشمن مانند ولید بن عتبه^۴، العاصی بن سعید، نوفل بن خویلد بن اسد، حرث بن عامر بن نوفل^۵ و نصر بن الحرث^۶ را به هلاکت رساند. البته مؤلف در کشته شدن ولید بن عتبه بین امیرالمؤمنین و حمزه سیدالشهداء علیه السلام مردد است در جایی قاتل او را علی علیه السلام و در جایی دیگر حمزه علیه السلام می‌داند.^۷ در حالیکه بسیاری از مورخین این افتخار را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت می‌دهند.^۸

ابن سیدالناس تأکید می‌کند علی علیه السلام نه تنها یک فرمانده نظامی ماهر بلکه نمادی از عدالت، معنویت و وفاداری در میان مسلمانان بود. وی به‌عنوان پشتوانه معنوی پیامبر در لحظات سخت جنگ حضور داشت و از ویژگی‌های شجاعت، وفاداری و رهبری بهره‌مند؛ که بر انسجام نیرو و روحیه رزمندگان اثرگذار بود.

۱. همان، ص ۲۸۱.

۲. همان، ص ۲۸۷.

۳. همان، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۹۷.

۵. همان، ص ۳۳۱.

۶. همان، ص ۳۰۹.

۷. همان، ص ۳۳۱.

۸. ابن سعد الطبقات الكبرى ج ۲، ص ۱۷؛ ابن حیب المجهز، ص ۱۹۷؛ جاحظ، رسل الجاحظ: الرسائل السياسية ص ۱۶۴؛ بلاذری، أنساب الأشراف ج ۱، ص ۱۵۲؛ کوفی، مناقب الإمام أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابن حبان، السيرة النبوية وأخبار الخلفاء وهي سيرة النبي صلی الله علیه و آله وخلفائه من الثقات ج ۱، ص ۱۷۵؛ ابن حیرن، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار ج ۱، ص ۳۶۳؛ بهقی، دلائل النبوة (البیهقی)، ج ۳، ص ۷۲.

بررسی و تحلیل نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌های بدر، احد و خندق با تکیه بر کتاب عیون الاثر (ابن سیدالناس)

هم‌چنین آن حضرت در تقسیم غنائم^۱ و مدیریت کلی صحنه جنگ، ایفای نقش کرد که نشان‌دهنده جایگاه رفیع سیاسی و اجتماعی او در جامعه نوپای اسلامی بود. ابن سیدالناس تلاش کرده ضمن استناد به منابع معتبر، تصویری علمی و مستند از نقشی که امیرالمؤمنین علیه السلام در پیروزی بدر داشت را ارائه دهد.

به‌طور کل، ابن سیدالناس علی ابن ابی‌طالب علیه السلام را یکی از ستون‌های موفقیت مسلمانان در بدر دانسته که با رهبری کارآمد، دلاوری بی‌نظیر و دیانت خالص، نقش کلیدی در تثبیت جایگاه اسلام در تاریخ داشت. مطالعه این اثر برای پژوهشگران تاریخ اسلام، دیدگاه کاملی از ابعاد نظامی، سیاسی و معنوی شخصیت آن حضرت فراهم می‌آورد. نقش امام علی علیه السلام در جنگ بدر از دیدگاه ابن سیدالناس نقشی تاریخی، همه‌جانبه و تعیین‌کننده است. جنگ بدر نخستین مواجهه مهم مسلمانان با مشرکان مکه در سال دوم هجری بود که با فرماندهی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضور سپاه اندکی از مسلمانان در برابر لشکر بزرگی از دشمنان رخ داد. بر اساس نقل ابن سیدالناس در کتاب عیون الاثر، امیرالمؤمنین علیه السلام در این جنگ به‌عنوان پرچمدار لشکر مهاجرین منصوب شد و پرچم «العقاب» به دست مبارک ایشان بود^۲ و یکی از اصلی‌ترین فرماندهان و جنگاوران میدان به‌شمار می‌رفت.

از نگاه ابن سیدالناس، عملکرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام بخشی جدایی‌ناپذیر از پیروزی بزرگ بدر است که تأثیرات آن تا تثبیت اسلام در تاریخ ماندگار شد.

احد

نقش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جنگ احد نقشی متمایز و سرنوشت‌ساز بود که در جریان نبرد به وضوح تأثیرگذاری و شجاعت بی‌نظیر ایشان را نشان داد. ایشان به‌عنوان حامل لواء لشکر مهاجرین منصوب شد^۳ که این مسئولیت اهمیت فرماندهی مستقیم بر واحدی مهم

۱. ابن سیدالناس، پیشین، ج ۱، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۲۸۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۴.



و پیشرو در سپاه اسلام را به وی می‌داد. پس از کشته شدن مصعب بن عمیر، پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به علی رضی الله عنه واگذار کرد تا رهبری مستقیم نیروهای مسلمان را بر عهده گیرد.^۱ در صحنه نبرد، علی بن ابی طالب رضی الله عنه با شجاعت تمام به مقابله با دشمن برخاست؛ هنگامی که طلحه بن عثمان حامل لواء مشرکان، فریاد زد و هیچ‌کس پاسخ وی را نداد، امیرالمؤمنین رضی الله عنه به‌سوی او رفت و پس از دو ضربه، طلحه را به هلاکت رساند.^۲ به این ترتیب، تحقق رؤیای پیامبر درباره «أبی‌مردف کبش» که حامل لواء مشرکان بود، به وقوع پیوست.^۳ آن حضرت هم‌چنین اُطّاه بن شرحبیل را به درک واصل کرد؛^۴ که این خود نشان‌دهنده نفوذ مستقیم ایشان در شکست صفوف خصم و ضربه وارد ساختن به مرکز فرماندهی دشمن بود.

در جریان نبرد، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله جراحات شدیدی از سوی دشمنان دریافت کرد. نخست، عتبه بن اُبی‌وقاص با پرتاب سنگ، دندان چهارم سمت راست پیامبر را شکست. هم‌چنین عبدالله بن شهب الزهري ضربه‌ای به پیشانی پیامبر وارد کرد و ابن‌قمیّه نیز زخمی عمیق بر گونه پیامبر ایجاد کرد به حدی که دو حلقه از حلق‌های مغفر (کلاه خود) در گونه حضرت فرو رفت. در این جریان، پیامبر در یکی از گودال‌هایی که دشمنان پنهان ساخته بودند؛ سقوط کرد، که علی رضی الله عنه به کمک ایشان شتافت و پیامبر را از زمین بلند کرد.^۵ مصدوم شدن پیامبر توسط مشرکین و تلاش‌های علی رضی الله عنه برای حمایت و محافظت از پیامبر، بخشی از لحظات دشوار نبرد بود که در آن امیرالمؤمنین رضی الله عنه حضور ثابت و نقش بارز داشت و نمادی از وفاداری و ایثار در برابر خطرات و جراحات پیامبر بود.

پس از پایان یافتن درگیری‌ها در جنگ احد، پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه گروهی از اصحاب برجسته خود از جمله ابوبکر، عمر، علی، طلحه، زبیر، الحارث بن الصمه و گروهی دیگر از

۱. همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۲۱.

مسلمانان، به‌سوی محلی به نام الشعب حرکت کردند.^۱ این حرکت در شرایطی صورت گرفت که پیامبر و یارانش برای تجدید نیرو، مراقبت و بررسی اوضاع و همچنین بازسازی صفوف سپاه اسلام در آن منطقه حضور یافتند. این جمع قابل توجه از یاران نشان‌دهنده اهمیت حفظ انسجام و روحیه سپاه در شرایط پس از نبرد بود.

وقتی پیامبر به دهانه الشعب رسید، علی بن ابی طالب علیه السلام آب از چشمه مهراس برداشت و برای پیامبر آورد، اما پیامبر به خاطر بوی ناخوشایند آب از نوشیدن آن خودداری کرد و علی خون چهره پیامبر را شست و مقداری آب، بر سر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله ریخت و چنین گفت: «خشم خدا بر کسی که خون پیامبرش را ریخته است شدید است.»^۲ پاک کردن خون از چهره پیامبر، نشان از مراقبت و وفاداری عمیق وی به رسول خدا داشت.

بعد از جنگ، علی علیه السلام مأموریت یافت تا تعقیب و مراقبت از نیروهای دشمن را بر عهده گیرد و پس از بررسی دریافت که دشمن اسب‌ها را رها کرده و به سمت مکه در حرکت‌اند.^۳ از دیگر جلوه‌های برجسته تلاش‌های علی علیه السلام، همراهی و مراقبت وی در لحظات آخر حیات سعد بن الربیع بود، که نشان‌دهنده روحیه مسئولیت‌پذیری و وفاداری ایشان نسبت به همراهان و یارانش است. از سوی دیگر، حضور مستمر و مستقیم در میدان نبرد و انجام وظایف فرماندهی و رزم، نشان‌دهنده ترکیب نقش رهبری و عملی ایشان در پیشبرد اهداف سپاه اسلام بود. خلاصه آنکه، حضور علی بن ابی طالب علیه السلام در جنگ احد نقطه عطفی در مدیریت نظامی و روحی مسلمانان بود؛ ایشان نه تنها رهبری میدانی را به عهده داشت بلکه به‌عنوان نمادی از ایثار، وفاداری و فرماندهی قاطع، نقشی اساسی در حفظ انسجام و بازگرداندن روحیه سپاه اسلام ایفا کرد. این عملکرد باعث تثبیت موقعیت مسلمانان در صحنه نبرد و حفظ امید پیروزی در شرایط دشوار جنگ شد، که بی‌شک تأثیری تعیین‌کننده در روند کلی نبرد احد و تحولات بعدی داشت.

۱. همان، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۲۹.



خندق

با بررسی روایات تاریخی نقل شده از ابن اسحاق در کتاب «عیون الأثر»، نقش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در جنگ خندق به صورت برجسته و تعیین کننده قابل ردیابی است. هنگامی که گروهی از سواران زبده قریش به فرماندهی عمرو بن عبدود از نقطه‌ای تنگ در خندق عبور کردند و خط دفاعی مسلمانان را در معرض خطر جدی قرار دادند، علی علیه السلام به سرعت و با درکی صحیح از موقعیت، همراه گروهی از یاران به سوی شکاف ایجاد شده حرکت کرد و با مسدود کردن نقطه نفوذ، مانع از پیشروی بیشتر دشمن و الحاق آنان به نیروهای داخل مدینه شد.^۱ این اقدام سریع و قاطع، که نخستین سطح از نقش آفرینی ایشان محسوب می‌شد، از تشمت و گسترش حمله دشمن جلوگیری کرد.

نقطه اوج حضور ایشان، پاسخ به مبارزه طلبی عمرو بن عبدود، از شجاعان نامدار قریش، بود.^۲ با وجود عدم موافقت اولیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل شهرت و قدرت عمرو بن عبدود، اصرار و اطمینان علی علیه السلام برای رویارویی با او، موجب شد رسول خدا صلی الله علیه و آله با دادن شمشیر و عمامه خویش، او را برای این نبرد مهم آماده سازد و در دعایی از خداوند طلب یاری برایش کند.^۳ این نبرد، که تقابلی نمادین بین اسلام و شرک به شمار می‌رفت، با گفت‌وگویی پیش از جنگ و دعوت علی بن ابی طالب علیه السلام به اسلام آغاز شد^۴ و با شجاعت، مهارت رزمی و ایمان ایشان به پیروزی قطعی و کشته شدن عمرو بن عبدود انجامید.^۵ این پیروزی، ضربه‌ای سهمگین بر روحیه احزاب وارد کرد و باعث هراس و فرار سواران قریش شد.^۶ کشته شدن عمرو بن عبدود به دست آن حضرت، که نقطه عطفی در روند جنگ بود، نه تنها یک پیروزی تاکتیکی، بلکه عاملی

۱. همان، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۲.

۳. همان، ص ۹۱.

۴. همان، ص ۹۲.

۵. همان.

۶. همان.

بررسی و تحلیل نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌های بدر، احد و خندق با تکیه بر کتاب عیون الاثر (ابن سیدالناس)

برای تقویت روحیه مسلمانان و تضعیف دشمن محسوب می‌شد و نقش مهمی در شکستن حلقه محاصره و ناکامی محاصره مدینه ایفا کرد. اهمیت این رویداد تا بدانجا بود که حتی یکی از فراریان قریش در اشعار خود به عظمت این رشادت اعتراف کرد.^۱

در نتیجه، عملکرد امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ خندق، با تلفیق فرماندهی نظامی هوشمندانه، رشادت فردی بی‌بدیل و تأثیر روانی عمیق بر دوست و دشمن، نقشی محوری و تعیین‌کننده در شکستن محاصره و حفظ مدینه ایفا کرد. این نقش‌آفرینی، که در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به طور همزمان نشان داد، نه تنها نتیجه نبرد را به نفع مسلمانان تغییر داد، بلکه جایگاه بی‌بدیل ایشان را به‌عنوان سدّی مستحکم در برابر دشمنان اسلام یک بار دیگر به نمایش گذاشت.

جامانده‌های عیون الاثر

هر چند که کتاب عیون الاثر از کتب گرانسنگ در حوزه سیره نبوی است اما با این حال، هر پژوهش تاریخی به رغم دقت و وسعت نظر مؤلف ناگزیر از گزینش و گزیر است و طبیعی است که برخی از روایات حتی اگر در منابع معتبر پیشین موجود باشند به دلایل مختلفی از قلم راوی یا مؤلف بیفتند. در ادامه در پی آنیم به بررسی مواردی بپردازیم که با وجود شهرت و استناد در منابع معتبر پیشین و هم‌عصر، در اثر ارزشمند ابن سیدالناس مسکوت مانده چرا که این نقاط خالی می‌توانند از جهت تاریخی ارزشمند باشند.

یکی از روایات جامانده در «عیون الاثر» درباره فضیلت امام علی علیه السلام، جریان آب آوردن ایشان در شب جنگ بدر است؛ آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب طلب آب کرد و همگی به سبب ترس از دشمن خودداری ورزیدند، ولی تنها علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای این خطر پیشقدم شد و با پایین رفتن در چاهی عمیق و تاریک، آب آورد و مورد تکریم فرشتگان الهی قرار گرفت. این

۱. همان، ص ۹۹.



روایت چنین بازگو شده است: پس چون فرشتگان مقرب الهی به چاه رسیدند، یکی پس از دیگری برای احترام و بزرگداشت او بر وی سلام کردند.^۱

در جنگ احد، از مهم‌ترین وقایع و نکات برجسته، که ابن سیدالناس از آن غافل مانده و روح کلی این نبرد را به خوبی نمایان می‌کند؛ جریان منادی است که در میدان نبرد ندا می‌دهد: «لا سیف الا ذو الفقار و لا فتی الا علی»^۲، شعاری که بر یکتایی شمشیر ذوالفقار و برجستگی شجاعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دلالت دارد و به خوبی بیانگر جایگاه ویژه ایشان در عرصه جهاد بوده است. این ندا فضایی روحانی و انگیزشی برای مسلمانان ایجاد کرد و یادآور توانمندی‌های علی علیه السلام در نبردهای سخت بود.

از سوی دیگر، در خطبه روز جمعه در مدینه، عمر بن خطاب سوره آل عمران را تلاوت کرد و در تفسیر آیه (إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْاَلْتَمَاعِ الْجَمْعَانِ)^۳ اقرار کرد که در روز احد فرار را بر قرار ترجیح داده و به کوه پناه برده است؛ این بیان، گزارشی روشن و صادقانه از وقایع احد است که مسلمانان پیامبر خود را تنها گذاشتند و تنها عده محدودی در رکب آن حضرت ایستادگی کردند که امیرالمؤمنین علیه السلام در رأس آنها بود و این جریان نقش ویژه ایشان را به عنوان نماد شجاعت و پایداری در برابر دشمنان برجسته می‌سازد.^۴

۱. ابن حنبل، فضائل الصلابة ج ۲، ص ۷۵۹؛ ابن عساکر، تاریخ مبنیة دمشق ج ۲، ص ۴۲؛ ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأئیر، ص ۲۷۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة ج ۹، ص ۱۷۲؛ محب‌الدین الطبری، ذخرة العقبی فی مناقب ذوی القربی ج ۱، ص ۳۳۳؛ ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۵۰.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة ج ۲، ص ۱۰۰؛ کوفی، مناقب الإمام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ج ۲، ص ۵۳۶؛ ابوالفرج اصفهانی، الأغنی ج ۱۵، ص ۱۲۸؛ ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار ج ۱، ص ۲۸۲؛ ابن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال ج ۵، ص ۳۶۰؛ مفید، الارشاد ج ۱، ص ۷۹؛ آبی، ثرالدو، ج ۶، ص ۲۸۴.

۳. سوره آل عمران: آیه ۱۵۵.

۴. طبری، تفسیر الطبری ج ۶، ص ۱۷۲.

۵. واقندی، المغازی ج ۱، ص ۳۲۱؛ ابن حنبل، فضائل الصلابة ج ۲، ص ۸۱۷؛ جاحظ، رسائل الجاحظ: الرسائل السیاسیة ص ۲۴۶؛ حاکم جشمی، تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبیین، ص ۳۹؛ طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۷۸ و ۱۷۷؛ ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأئیر، ص ۲۰۰؛ اربلی، کشف الغممة ج ۱، ص ۱۹۹.

بررسی و تحلیل نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌های بدر، احد و خندق با تکیه بر کتاب عیون الاثر (ابن سیدالناس)

در جنگ خندق، از مهم‌ترین وقایع و نکات برجسته، که ابن سیدالناس از آن غافل مانده؛ جریان حدیث شریف «لمبارزة علی ابن ابی طالب لعمر و بن عبد و د یوم الخندق أفضل من عمل امتی إلى یوم القیامة»^۱ است، سخنی که بر برتری مبارزه حضرت علی علیه السلام با عمرو بن عبدود بر تمام اعمال امت تا روز قیامت دلالت دارد و به روشنی بیانگر جایگاه بی‌نظیر ایشان در عرصه جهاد و ایثار بوده است. این حدیث فضایی قدسی و معنوی برای مسلمانان ایجاد کرد و یادآور عظمت عمل امیرالمؤمنین علیه السلام در نبردهای سرنوشت‌ساز بود.

از سوی دیگر، در اوج نبرد خندق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام حرکت امام علی علیه السلام به سوی عمرو بن عبدود، دعای مشهور «اللهم احفظه من بین یدیہ و من خلفه و عن یمینہ و عن شمالہ و من فوق رأسه و من تحت قدمیه»^۲ را زمزمه کردند؛ این دعا، سندی زنده و گواهی آشکار بر نگرانی پیامبر از جان علی و اهمیت حفظ وجود مبارک ایشان در میدان نبرد است که چگونه پیامبر اکرم، وجود علی را محور پیروزی می‌دانستند و این جریان، نقش محوری ایشان را به‌عنوان سدی مستحکم در برابر دشمنان و عامل حفظ اسلام برجسته می‌سازد.



۱. ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۳۰۰؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۱۸۴؛ خطیب بغلادی، تاریخ بغلاد، ج ۱۳، ص ۱۹؛ حسکائی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۴.
۲. ابن حیون، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کراچکی، کنز الفوائد، ص ۲۹۷؛ حسکائی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱.

نتیجه‌گیری

- فتح‌الدین محمد بن محمد، معروف به ابوالفتح و مشهور به ابن سیدالناس می‌باشد و در سال ۶۷۱ هجری در خانواده‌ای علمی و سرشناس در قاهره به دنیا آمد.

- مشهورترین میراث علمی او کتاب عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر است که نویسنده در آن به زندگی و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته است، وی در تدوین سیره‌ی خود از منابع متعددی استفاده کرده؛ و هدف از تألیف آن را نقدی بر آثار پیشینیان دانسته است.

- مهم‌ترین یافته این پژوهش نشان می‌دهد که علی علیه السلام نه تنها به‌عنوان یک فرمانده نظامی برجسته، بلکه به‌عنوان محوری‌ترین عنصر در حفظ انسجام سپاه اسلام و تضمین پیروزی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده است. در بدر، پرچمداری و رهبری مهاجرین؛ در احد، دفاع جانانه از رسول خدا در بحرانی‌ترین لحظات و تثبیت جبهه مسلمانان؛ و در خندق، نبرد تن‌به‌تن تعیین‌کننده با عمرو بن عبدود و شکستن حلقه محاصره دشمن، جلوه‌های بی‌بدیلی از نقش ایشان بوده که توسط ابن سیدالناس هرچند با کاستی‌هایی ثبت شده است.

- این پژوهش هم‌چنین با شناسایی مواردی که ابن سیدالناس عمدتاً به دلیل روش‌گزینی خود از نقل آنها غفلت ورزیده و یا مسکوت مانده (مانند ندهای آسمانی، اقاربات خاص صحابه و احادیث مشهور در فضیلت امام علی علیه السلام)، نشان می‌دهد که اگرچه «عیون الاثر» به‌عنوان یک منبع معتبر و نسبتاً متعادل در سیره نبوی قابل اعتماد است، اما برای ترسیم تصویر کاملی از جایگاه امام علی علیه السلام، نیاز به تکمیل با دیگر منابع دست اول تاریخی و حدیثی احساس می‌شود.

- ارزش این تحقیق، در ارائه تحلیلی منسجم از نقش سه‌گانه امیرالمومنین علیه السلام - نظامی، رهبری و معنوی - در تعیین سرنوشت نخستین جامعه اسلامی نهفته است. این بررسی، عظمت عمل ایشان را نه به‌عنوان رشادت‌هایی پراکنده، بلکه به‌عنوان نقشه‌ای راهبردی و هدفمند در خدمت تثبیت اسلام نشان می‌دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آبی، منصور بن حسین. (۱۴۲۴ق)، *شرالدر*، تحقیق: خالد عبدالغنی محفوظ، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبه الله. (بی تا)، *شرح نهج البلاغة*، تحقیق: ابراهیم، محمد أبو الفضل، ج ۱، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
۳. ابن بطریق، یحیی بن حسن. (۱۴۰۷ق)، *عملة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*، مقدمه نویس: جعفر سبحانی تبریزی، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی. (۱۴۱۸ق)، *تذکرة الخواص*، ج ۱، قم: الشریف الرضی.
۵. ابن حبان، محمد بن حبان. (۱۴۱۷ق)، *السیرة النبویة وأخبار الخلفاء وهي سیرة النبي صلی الله علیه و آله و خلفائه من الثقات*، تصحیح: عزیز زند، *جماعة من العلماء*، ج ۳، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.
۶. ابن حبیب، محمد بن حبیب. (۱۴۲۱ق)، *المحبر*، تحقیق: حسن سید کسروی، ج ۱، قاهرة: دار الغد العربی.
۷. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی. (۱۴۱۴ق)، *الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة*، ج ۱، بیروت: دار الجیل.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۳۰ق)، *فضائل الصحابة*، تحقیق: وصی الله بن محمد عباس، ج ۴، قاهرة: دار ابن الجوزی.
۹. ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*، تحقیق: محمد حسینی جلالی، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۰. ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ق)، *طبقات الكبرى*، تحقیق: عطاء محمد عبدالقادر، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.



۱۱. ابن سیدالناس، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق)، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائیل و السیر، تصحیح: ابراهیم محمد رمضان، چ ۱، بیروت: دار القلم.*
۱۲. ابن عدی، عبدالله بن عدی. (۱۴۰۹ق)، *الکامل فی ضعفاء الرجال، تصحیح: یحیی مختار غزاوی، چ ۳، بیروت: دار الفکر.*
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۸ق)، *تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، چ ۱، بیروت: دار الفکر.*
۱۴. ابن قاضی شهبه، ابوبکر بن احمد. (۱۴۱۸ق)، *تاریخ ابن قاضی شهبه، تحقیق: عدنان درویش، چ ۱، دمشق: المعهد العلمي الفرنسي للدراسات العربية.*
۱۵. ابن هشام، عبدالملک بن هشام. (بی تا)، *السیرة النبویة، تصحیح: ابراهیم ایاری، مصطفی سقا، عبدالحفیظ شبلی، چ ۱، بیروت: دار المعرفة.*
۱۶. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق)، *الأغانی، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربي.*
۱۷. اربلی، علی بن عیسی. (۱۴۲۱ق)، *کشف الغمة، مقدمه نویس: احمد حسینی اشکوری، چ ۱، قم: الشریف الرضی.*
۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی. (بی تا)، *أنساب الأشراف، تحقیق: محمدباقر محمودی، محمد حمیدالله، چ ۱، قاهرة: دار المعارف.*
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوة، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة.*
۲۰. جاحظ، عمر بن بحر. (۲۰۰۲م)، *رسائل الجاحظ: الرسائل السياسية، تحقیق: علی بوملحم، چ ۲، بیروت: دار و مكتبة الهلال.*
۲۱. حاکم جشمی، محسن بن محمد. (۱۳۸۳)، *تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین، تحقیق: مؤسسه فرهنگی شمس الضحی، چ ۱، تهران: شمس الضحی.*
۲۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۳۵ق)، *المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مرکز البحوث و تقنیة المعلومات دار التاصیل، چ ۱، بیروت: دارالتاصیل.*

بررسی و تحلیل نقش امیرالمؤمنین عليه السلام در جنگهای بدر، احد و خندق با تکیه بر کتاب عیون الاثر (ابن سیدالناس)

۲۳. حسکانی، عیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التخصیص فی الآیات النازلة فی أهل البيت عليهم السلام*، تحقیق: محمدباقر محمودی، ج ۱، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. مؤسسة الطبع و النشر.
۲۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، محقق: عبدالقادر عطا مصطفی، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۲۸ق)، *تذکره الحفاظ*، محشی: زکریا عمریات، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۶. سبکی، عبدالوهاب بن علی. (بی تا)، *طبقات الشافعیة الكبرى*، تحقیق: محمود محمود طناحی، عبدالفتاح محمد حلوی، ج ۱، قاهرة: دار إحياء الكتب العربية.
۲۷. سرکیس، یوسف الیان. (۱۴۱۰ق). *معجم المطبوعات العربية و المعربة و هو شامل لأسماء الكتب المطبوعة فی الأقطار الشرقية و الغربية...*، ج ۱، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۸ق)، *حسن المحاضرة فی أخبار مصر و القاهرة*، تحقیق: خلیل منصور، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. صفدی، خلیل بن ایبک. (۱۴۳۰ق)، *أعیان المعصر و أعوان النصر*، محشی: عمرو محمد عبدالحمید، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۳۱. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۲ق)، *تفسیر الطبری*، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، ج ۱، قاهرة: هجر.
۳۲. کحاله، عمر رضا. (۱۳۷۶ق)، *معجم المؤلفین*، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۳. کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، تحقیق: عبدالله نعمه، ج ۱، قم: دار الذخائر.
۳۴. کوفی، محمد بن سلیمان. (۱۴۲۳ق)، *مناقب الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام*، تحقیق: محمدباقر محمودی، ج ۱، قم: مجمع إحياء فرهنگ اسلامی.



۳۵. محب‌الدین الطبری، احمد بن عبدالله. (۱۴۲۸ق)، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، تصحیح: سامی غیری، ج ۱، قم: دار الكتاب الإسلامی.
۳۶. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۶)، *الارشاد* ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، تصحیح: محمدباقر بهبودی، ج ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۷. ناطق صالح مطلوب. (۱۴۰۲ق)، «دراسة فی السیرة النبویة لابن سیدالناس المتوفی سنة ۷۳۴ق. والمسماتة عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمایل و السیر»، *نشریه آداب الرفلین*، شماره پانزده، صص ۲۰۲-۱۷۵.
۳۸. واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق: مارزدن جونز، ج ۳، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.